



جایگاه خانواده در جمهوری اسلامی ایران

رضا کشته گرا^۱

۱. کارشناسی علوم تربیتی رشته آموزش ابتدایی اداره آموزش و پرورش شهرستان نیمروز

Email: rezakeshtegar.rk@gmail.com

چکیده

خانواده در جمهوری اسلامی ایران پایه و ستون اصلی جامعه و برای مردم ایران واحدی بسیار ارزشمند است. خانواده کانون رشد و تعالی فرزندان است. فرزندان آن که قرار است جامعه را بسازند و آداب و رسوم و فرهنگ کشور را در جامعه حفظ کرده و در بقای آن بکوشند. در فرهنگ اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کاخ شکوهمند حیات و زندگی به خانه و خانواده تعلق دارد و رشد سالم و تکامل آن زمینه ساز سلامت روانی، شخصیتی و اجتماعی جامعه است که علل پیشگیرنده جهت فساد اداری و سازمانی است مقننین قانون اساسی جمهوری ایران با تأکید بر اهمیت این موضوع در اصول متعدد سعی در تکریم این نهاد اجتماعی مقدس بوده و مجلس شورای اسلامی و سایر ارگان هایی که اقدام به وضع قوانین عادی و تعیین سیاست گذاری های عمومی می کنند را مکلف نموده است تا با وضع و تدوین مقررات موضوعه نیز این نهاد عالی را متعالی سازند. در همین راستا منشور حقوق شهروندی نیز با اشاره به این وضع حقوقی مهم و بنیادین با اختصاص یک مبحث ویژه با عنوان خانواده زنان و کودکان در بند ۹۶-۳ مقرر نموده است خانواده واحد بنیادین و نخستین جامعه است و کلیه شهروندان از حق ازدواج و تشکیل خانواده برخوردار هستند دولت مکلف به تحکیم و تشیید مبانی خانواده است و نیز در بندهای ۹۹-۳ تا ۱۱۰-۳ با اشاره به اینکه خانواده جزء اساس و ریشه ی اجتماع انسانی است دولت را مکلف نموده است با تبیین و تدوین برنامه های جامع ملی و مقررات لازم الاجرای عمومی در تکریم این نهاد عالی اهتمام ویژه نماید. هدف این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه ای انجام شده است پاسخ به سوالات: «۱) تکریم و تحکیم نهاد خانواده چه جایگاهی در جمهوری اسلامی ایران دارد؟ ۲) نگرش قانون گزاران اساسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با نهاد خانواده چه بوده است؟ ۳) کاربرد های نهاد خانواده در جامعه ایرانی چیست؟» می باشد.

کلمات کلیدی: جایگاه خانواده، جمهوری اسلامی ایران، تحکیم



مقدمه

خانواده پایه بنیادین اجتماع و سلول سازنده زندگی انسان و خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت ها و هنجارها و ارزش های اجتماعی است. همچنین ستون استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی و کانونی در جهت بروز و ظهور عواطف انسانی و مکانی برای پرورش اجتماعی کودک است. خانواده واحدی است که بر اساس ازدواج پدید می آید و از آغاز پیدایش خود همچون حریمی امن زندگی انسان را در بر می گیرد. هر وقت دو نفر با هم پیوند زناشویی می بندند و یا فرزندی به دنیا می آید. موج جدیدی به وجود می آید که شمار زیادتری از خویشاوندان را نیز به هم پیوند می دهد. در واقع خانواده ازدواج و خویشاوندی بنا به تعریف پدیده های اجتماعی باهم ارتباط داشته و مکملی هستند که هر کدام را باید به اعتبار دیگری بشناسیم. خانواده از جایگاه بسیار بالایی در جامعه برخوردار است. و به عنوان هسته اصلی هر جامعه دارای کارکردهای گوناگونی می باشد و از گذشته تاکنون در کنار دین و دولت سازنده جامعه ایرانی بوده است. افراد در این نهاد ضمن حفظ نسل، وظیفه تربیت فرزندان، مراقبت، حمایت از بزرگسالان و حفظ میراث فرهنگی و دینی خود را بر عهده دارند. در طول دو سده اخیر خانواده ی ایرانی در جریان نوسازی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کشور تغییرات اساسی یافته است. به طوری که بعضی از خانواده ها از سنت های خود دور شده و فرهنگ بیگانه را در زندگی خود جای داده اند. و این امر باعث به وجود آمدن مشکلاتی در خانواده ها شده است. سابقه و تحولات تاریخی خانواده طی دوره های متعدد، تغییرات خانواده، نسل و خانواده، ازدواج و تغییرات آن، چالش ها و مشکلات سر راه خانواده از قبیل طلاق و فروپاشی از موضوعاتی است که تحقیقات زیادی در مورد آن شده است. بنابراین خانواده که به عنوان هسته اصلی جامعه است در گذشته بیشتر به شکل کانونی بوده است. و نظام سیاسی و دینی در جامعه متأثر و مکمل آن بوده است. ولی در دوره جدید خانواده ضمن اینکه یکی از کانون های اصلی اندیشه و عمل است، ولی حیات آن در متن اجتماع معنی یافته است. و خانواده اگر اجتماعی باشد می تواند موفق تر باشد. بدین لحاظ، خانواده ضمن اینکه بر دیگر نهادها اثر گذار است، از آن ها نیز تاثیر خواهد گرفت. ولی آنچه قابل اشاره است آن است که خانواده ایرانی دستخوش تغییرات عمده ای گشته است، چنان که در بسیاری از موارد کارکردها و ویژگی های و ساختارهای آن دچار تحولاتی شده است که از عوامل این تغییرات می تواند این موارد باشد: شرایط جدید اقتصادی، افزایش سطح تحصیلات، مشارکت بیشتر زنان، اهمیت فرزندان در کنار اولیا، توسعه رسانه های جمعی، مد، مصرف گرایی و مسافرت موجب شده تا زنان در کنار مردان در تغییرات ساختار خانواده اقدام کنند. خانواده به عنوان محلی که در آن فرد جدید متولد می شود و این فرد کسی است که می خواهد جامعه را بسازد این وظیفه خطیری را به دوش خانواده می اندازد در نتیجه برای این کار تلاش زیادی لازم است تا اثربخشی لازم را داشته باشد. در هر خانواده افراد با مفاهیم، آرزوها، آرمان های اجتماعی آشنا می شوند و سعی می کنند تا خود را برای بهبود محیط و مویعتهای پیرامونی بسازند. پس این نشان دهنده اهمیت خانواده برای ما است.

مقتضیات عصر ما ایجاب می کند که بسیاری از مسائل مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرد و به ارزیابی های گذشته بسنده نشود. نظام حقوق و تکالیف، خانوادگی از جمله این سلسله مسائل است خانواده سالم با دو رکن اولیه زن و شوهر و رکن سوم فرزندان پایدارترین تشکیلات و سازمان اجتماعی است که از ابتدای خلقت انسان شکل گرفته است حکم آفرینش بر خلق دو محور زن و مرد و آرامش آن دو کنار یکدیگر در مسیر رشد و کمال هماهنگ و همسو در قالب تشکیل خانواده و رابطه همسری از ژرف ترین حکمت های الهی است که اصول و اساس آن را تنها از بطن آیات قرآن می توان یافت (عظیم زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

قرآن کریم مکرراً تأکید می کند همه بشریت از یک خانواده گسترش یافته اند، (سوره نساء آیه ۱ و سوره حجرات، آیه ۱۳) و شکل گیری خانواده در ابتدا و گسترش آن توسط وحی الهی با ساز و کار خاصی مدیریت و سازماندهی شده است که ویژگی های این سازمان به قرار ذیل است:



- ۱) استمرار؛ ساعت حضور و ارتباط سازمانی بی وقفه است. از این رو هرگونه فعالیت اجتماعی سالم نمیتواند و نایستی افراد خانواده را از عضویت و ارتباط سازمانی خانواده محروم نماید.
- ۲). نزدیکی روابط؛ در سازمان، خانواده نزدیک ترین روابط ویژه تشکیلاتی میان اعضاء برقرار است که در قالب زن و شوهری و پدری و مادری و غیره با حقوق ویژه تعریف شده توسط عرف جامعه یا دین برقرار است.
- ۳) پایداری پایدارترین تشکیلات اجتماعی در خانواده شکل میگیرد و به حیات سالم خود ادامه می دهد .
- ۴) سلامت روابط، توارث تمام انسان های سالم از عضویت رسمی در سازمان خانواده منبعت از یک زن و شوهر با عنوان پدر و مادر رسمی برخوردار می باشند. از اینرو، اسلام به هرگونه شکل گیری ارتباط جنسی و هرگونه شکل گیری خلقت انسان، در روابط جنسی آزاد و بدون هویت به شدت مبارزه کرده (سوره نور آیه ۹ و ۲) و آن را نوعی جنایت در حق بشریت، همچون فرزند کشی و آدم کشی تلقی می کند (سوره اسراء، آیه ۳۳).
- با توجه به آموزه های دین مبین اسلام، خانواده کانون رشد و تعالی فرد به سمت کمال انسانی و خود شکوفایی در جامعه است. در خانواده است که انسان هویت خود را پیدا مینماید و از طریق آن به جامعه وارد میشود و در پناه خانواده است که می تواند پایگاه و موقعیت خود را در جامعه تثبیت نماید (خسروی، ۱۳۸۹، ص ۵۴).

سوالات پژوهش

- ۱) تکریم و تحکیم نهاد خانواده چه جایگاهی در جمهوری اسلامی ایران دارد؟
- ۲) نگرش قانون گزاران اساسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با نهاد خانواده چه بوده است؟
- ۳). کارکرد های نهاد خانواده در جامعه ایرانی چیست؟

روش پژوهش

اطلاعات به دست آمده در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه ای گردآوری شده و از منابع قابل دسترس نظیر کتاب، مقالات و پایان نامه، اینترنت و در خصوص این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

مفهوم نهاد خانواده :

تاکنون تعاریف گوناگونی برای خانواده ارائه شده است که عموماً بر اساس دو نکته بیان گردیده؛ یکی ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یاد کرده است و دیگری انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و هست. خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی هم خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر بعنوان زن، مادر پدر شوهر برادر خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند فرهنگ مشترک پدیده میآورند و در واحد خاص زندگی میکنند. (قنادان، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸).



دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

خانواده انسانی را می توان یک گروه نهادی شده زیستی - اجتماعی تعریف کرد که متشکل از چند فرد بالغ که حداقل دو تای آن ها، بدون داشتن پیوند خونی و از دو جنس مخالف ازدواج کرده باشند و فرزندان که زاده پیوند ازدواج افراد بالغند. حداقل نقش ها و وظایف خانواده عبارت است از :

تأمین رضایت مندی ها و نظارت در نیازهای عاطفی از جمله روابط جنسی و ایجاد موقعیت اجتماعی - فرهنگی برای تولید مثل مراقبت و پرورش اجتماعی فرزندان گروهی که بدین سان تشکیل شود و چنین وظایفی را اجرا نماید از حیث وسعت ساختار انواع متعددی دارد و بنابراین هر تعریفی که از خانواده شود باید تعریف انواع متعدد را شامل شود (گولد ترجمه محمد جواد زاهدی ۱۳۸۷، ص ۳۸۱).

خانواده به عنوان هسته زنده اجتماع و نهاد آغازگر زندگی اجتماعی از اهمیت خاصی در جامعه برخوردار است. ارزش و اعتبار هر جامعه بستگی مستقیم به مقام و منزلت خانواده در آن جامعه دارد و نیازهای طبیعی، عاطفی تربیتی اجتماعی، اخلاقی فرهنگی و اقتصادی افراد جامعه فقط از طریق سلامت کانون خانواده به نحو مطلوب برآورده میشود (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۵۳۴).

سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود خانواده را چنین تعریف می کند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره ای اطلاق می شود که با هم زندگی می کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون فرزندخواندگی یا ازدواج با هم نسبت دارند در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند.» (نجاریان، ۱۳۷۵ ص ۱۹).

اولین مفهوم مشترکی که از مجموعه تعاریف ذکر شده و ده ها تعریف ارائه شده ی دیگر استنباط می شود، این است که خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است یعنی بدون تحقق این پیوند خانواده معنایی ندارد؛ قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد بنابراین جهت تعالی کارایی خانواده لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود. فلذا تحکیم روابط در خانواده از جمله مهمترین مسائل در سلامت و رشد فرد، هم چنین پویایی و توسعه همه جانبه در جامعه است

تبیین مفهومی تحکیم روابط خانواده

مقصود از تحکیم خانواده چیست؟ آیا منظور نگه داشتن بنایی هر قدر سست و ناپایدار صرفاً با حفظ نامی از آن است؟ آیا منظور پایداری، خانواده به قیمت کوتاه آمدن یک طرف و پذیرش ظلم از سوی او و بی عدالتی از طرف مقابل است؟ آیا صرف اجتماع چند وابسته خونی یا سببی زیر یک سقف با هرگونه روابطی هر قدر ظالمانه با نادیده گرفتن حقوق و شخصیت انسانی یک نفر و زورگویی و یکه تازی دیگری خانواده ای محکم خواهد بود؟ به طور قطع سر پا بودن خانواده با تحکم از سوی یک فرد و بردباری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی از سوی دیگری استحکامی در پی نخواهد داشت و اگر در ظاهر پایدار بماند، از درون پوسیده و فرونشسته است. مقصود از تحکیم، خانواده فراگیری اصل اعتدال میان همگان حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه ی اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن به سکونت رسیدن اعضاست لازم است که همه ی رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از تحکیم به کمال رساندن همین سکونت است که با کمترین ظلم، نامردی و تحقیر حتی یک عضو در خانواده، سازگار نیست.

خصوصیات و ویژگی های نهاد خانواده

در زمینه ماهیت کلی زیستی و فرهنگی خانواده انسانی در میان دیگران به خصوصیت هایی اشاره شده است که معمولاً در خانواده مشاهده می شود:

الف) همواره پیوند ازدواجی میان دو یا چند فرد وجود دارد این پیوند باید دست کم میان دو عضو با جنسیت مخالف و گاهی بیش از دو عضو... وجود داشته باشد.



ب) یک رابطه خونی، رسمی واقعی یا، فرضی وجود دارد که مفاهیم مناسبات و تعهدات خویشاوندی بر پایه آن استوار است.

ج) شکلی از مسکن گزینی (اقامتگاه) در آن نهاد وجود داشته و پابرجاست.

د) وظایف شخصی و اجتماعی گوناگونی وجود دارد که باید انجام داده شوند این وظایف عبارتند از مراقبت بدنی طرح ریزی فعالیت جنسی انتقال طرح ریزی شده، فرهنگ وظایف، اقتصادی مراقبت اجتماعی و در برخی موارد نظارت خانوادگی بر شغل و فعالیت های سیاسی، مذهبی و از این قبیل.

آنچه در این گونه فهرست بدان اشاره میشود این است که وظایف فرهنگی و وظایف قابل تقسیم همیشه باید در شکلی از اشکال موضعی وظایف ضروری تولید مثل فرهنگ آموزی و نگهداری، کودک همکاری اقتصادی ساخت خویشاوندی و الگوبندی و کنترل روابط عاطفی و جنسی را تحت قاعده در آورند (گولد جولیوس، پیشین، ص ۳۸۳).

قاعده حاکم بر نهاد خانواده

با توجه به اینکه کارکرد اصلی خانواده در ایران تولید انسان اجتماعی بوده است و افراد انسانی از طریق این نهاد با جامعه پیوسته شده اند بنابراین قواعد حاکم بر خانواده آمیزه ای است از حقوق و اخلاق از آنچه هست و از آنچه بایستی باشد. نویسنده حقوق همین که به خانواده میرسد فنونی را که از پیش آموخته نارسا میبیند و پای استدلالیان را متزلزل می داند حق نیز همین است زیرا به دشواری می توان عواطف انسان و بازتاب های طبیعی او را در قالب قواعد محصور کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۱۴۰).

جایگاه خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی که مادر قوانین هر نظام حقوقی - سیاسی است مبین اساسی ترین و بنیادی ترین قواعد مرتبط با مدیریت امور عمومی حدود وظایف و اختیارات نهادها و مقامات حکومتی و انواع حقوق و آزادی های ملت است و ضمن مشخص کردن محدوده های اعمال حاکمیت توسط قوای حاکم با درج وظایف و اختیارات هر یک از نهادها و مقامات حکومتی، نحوه دخالت های دولت در روابط اشخاص را در جامعه معین می کند این قانون به عنوان عالی ترین قانون بنیادین کشور چارچوب های را مقرر میدارد که بر اساس آن کلیه قوانین دیگر مشروعیت خود را از آن اخذ میکنند (خسروی، ۱۳۸۸، ص ۳۹).

در همین راستا، در حوزه حقوق زنان و خانواده نظر تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اولویت بخشی به احیای حقوق مادی و معنوی این قشر از جامعه بوده است به طوری که در مقدمه این قانون با تأکید بر ضرورت زمینه سازی در جهت تکامل و رشد اجتماعی زنان را به دلیل تحمل ستم بیشتر مستحق در استیفای حقوق بیشتر شناخته اند. خانواده مجموعه ای از افراد و کارکردهای مختلف است که در آن هر کدام بالاخص زن و مرد نقش های ویژه ای را بر عهده می گیرند. بسیاری از تعالیم الهی نیز مبین تأکید بسیار فراوان بر، خانواده، نکاح تکالیف زن و مرد جایگاه زن و، مادران تربیت فرزندان میباشد. قانون اساسی نیز بر اساس چنین نگرشی در برخی از اصول خود از خانواده و زن حمایت نموده است به طوری که پایه هرگونه قانون و تصمیمی در جامعه قرار می گیرد. (خسروی، ۱۳۸۹، ص ۵۴).

۱. اصل دهم قانونی اساسی: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت اسان کردن تشکیل خانواده پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. ۲. مبنای اصل دهم قانون اساسی: «جامعه اسلامی جامعه ای است که بر اساس آن نوعی از جهان بینی و بینش اجتماعی است که قانون خانواده چیزی بسیار فراتر از کانون تعلیم نیازهای جنسی یا اقتصادی یا پاسخ به تعاونی های ساده در زندگی است نقش خانواده در اخلاق در پایه گذاری برای رشد عواطف، انسانی در سالم نگاه داشتن انسان از تعدیات و تجاوزهای گوناگون و آماده نگهداشتن او برای



آن طهارت روحی و سلامت اخلاقی که رکنی از ارکان نظام فرهنگی و اجتماعی اسلام است بسیار مهم می باشد از این جهت این اصل به عنوان یک اصل بنیادی از اصول کلی قانون اساسی در اینجا آمده است و تعبیر به اینکه پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی که در پایان این اصل، آمده نشان دهنده این است که نظرش مکتب ما نسبت به خانواده دارد تا چه حد اندازه عمیق و همه جانبه است ...» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۴۳۳).

۳. اصل بیستم قانون اساسی : همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق، انسانی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

یکی از طرق و ابزارهای لازم جهت تکریم و تثبیت بنیان نهاد مقدس خانواده شناسایی اعمال و اجرای حقوق برابر برای زن و مرد در نهاد خانواده است (خاتمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

تدوین کنندگان و خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این اعتقاد و باور بوده اند که تصریح اصل بیستم به حمایت یکسان قانونی مبین این حقیقت است که جنسیت موجب و دلیلی برای ایجاد محرومیت نیست همانطور که رنگ، طبقه زیستگاه فرد امتیاز تلقی نمی شود ملاک برخورداری از حقوق بشر انسان بودن است. در این اصل بحث از صرف حقوق زن نیست، بلکه حقوق انسانی زنان مطرح است زن و مرد هر دو واحد انسانی هستند (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۳، ص ۳۴۱).

۴. اصل بیست و یکم قانون اساسی : دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد :

۱. ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او

۲. حمایت از مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده

۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن ها در صورت نبودن ولی شرعی .

مهمترین قسمت زندگی زنان وابسته به جمعیت خانوادگی است و نقش حساس آنان در تکوین و بقای خانواده امری بی دلیل بسیار سازنده و در عین حال بسیار مشکل است وجود زنان موجب امنیت خاطر و نبودن آنان نوعاً موجب پراکندگی خاطر و متلاشی شدن پیوند، اخلاقی عاطفی و حتی اقتصادی در خانواده می باشد (هاشمی، پیشین، ص ۵۳۵).

در بندهای پنج گانه اصل مذکور، چهار مورد مرتبط با حقوق زن در خانواده یعنی ایفای نقش های مادری و همسری اوست، صرفاً یک آن هم با بیان عباداتی کلی به ایجاد زمینه های مساعد برای احیای حقوق مادی و معنوی وی اشاره شده به بیانی دیگر دولت مکلف به تمهید امکانات و شرایط لازم شده است تا در پرتو آن زن به شأن و شخصیت ارزشمند و شایسته خود دست یابد. قانون اساسی در این اصل با پذیرش موقعیت نابرابر تحمیلی بر زنان که متأثر از فقدان زمینه های مناسب اجتماعی و فرهنگی و محرومیت از فرصت هاست، با صحنه نهادن بر ضرورت اتخاذ تدابیر خاص حمایتی بر تقدم و محوریت بند ۱ تأکید نموده است.

۵. اصل بیست و یکم قانون اساسی:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد :



ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

حمایت از مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی .

مهمترین قسمت زندگی زنان وابسته به جمعیت خانوادگی است و نقش حساس آنان در تکوین و بقای خانواده امری بی دلیل بسیار سازنده و در عین حال بسیار مشکل است وجود زنان موجب است خاطر و نبودن آنان نوعاً موجب پراکندگی خاطر و متلاشی شدن پیوند اخلاقی عاطفی و حتی اقتصادی در خانواده می باشد (هاشمی، پیشین، ص ۵۳۵).

در بندهای پنج گانه اصل مذکور، چهار مورد مرتبط با حقوق زن در خانواده یعنی ایفای نقش های مادری و همسری اوست صرفاً یک محور آن هم بایان عباراتی کلی به ایجاد زمینه های مساعد برای احیای حقوق مادی و معنوی وی اشاره شده، به بیانی دیگر دولت مکلف به تمهید امکانات و شرایط لازم شده است تا در پرتو آن زن به شأن و شخصیت ارزشمند و شایسته خود دست یابد. قانون اساسی در این اصل با پذیرش موقعیت نابرابر تحمیلی بر زنان که متأثر از فقدان زمینه های مناسب اجتماعی و فرهنگی و محرومیت از فرصت هاست، با صحنه نهادن بر ضرورت اتخاذ تدابیر خاص حمایتی بر تقدم و محوریت بند ۱ تأکید نموده است.

کارکردهای خانواده در جامعه ایرانی و اسلامی

۱-تنظیم روابط جنسی و مشروعیت بخشیدن به آن : شکی نیست که اگر این نیاز ها نبود خانواده نیز تشکیل نمی شد

۲- تولید مثل و تداوم میراث ژنتیکی : از آنجا که مرگ سرنوشت هر فرد انسانی است جانشینی اعضای جامعه باید تضمین شده باشد .این نیاز تا حدودی به وسیله تولید مثل طبیعی که میراث ژنتیکی جامعه را تداوم می بخشد برآورده می شود اگر خانواده این نیاز های زیستی را ارضا نکند بدیهی است که جامعه روبه نابودی می رود.

۳-اجتماعی شدن کودکان و تداوم میراث فرهنگی : اگر جامعه ای خواهان بقای خود باشد میراث فرهنگی نیز باید تداوم یابد .و این امری است که تنها از طریق اجتماعی شدن کودکان در خانواده امکان پذیر است. کودک در جریان اجتماعی شدن از طریق کنش متقابل با پدر و مادر و دیگر بستگان شیوه راه رفتن و وگفتن را می آموزد و به تدریج به کسب تجربه های مختلف نایل می گردد. این تجربه ها اگر درست باشد می تواند فرهنگ یک جامعه را به طور صحیح حفظ کند.

مردم شناسان نشان داده اند که شیوه های پرورش کودک در هر جامعه کلید فهم آن اجتماع و فرهنگ آن است .

خانواده ایرانی ضمن داشتن وجوه شباهت هایی با سایر خانواده های جهان، ویژگی های خاصی نیز دارد که آن را از دیگر خانواده ها در جهان متمایز می کند. از جمله این ویژگی ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-وجود اقتدار در خانواده ایرانی: که بیشتر در دست مردان قرار گرفته و زنان کمتر امکان مشارکت در امور زندگی خانوادگی و اجتماعی را پیدا می کرده اند

۲- پدرسالاری در خانواده ایرانی بسیار متداول بوده است. و این پدر در خانواده بوده است که تمام تصمیمات را در خانه می گرفته است . و دیگران نقش زیادی در تصمیمات مهم نداشته اند

۳-تعداد خانوار و جمعیت در خانواده: هر موقع که از خانواده ایرانی سخن به میان می آید وجود جمعیتی بیشتر از چندین نفر در کنار یکدیگر زندگی می کنند، در ذهن به وجود می آمده است



۴- اهمیت فرزند: یکی دیگر از صفات و مشخصات خانواده ایرانی، توجه و اهمیت بسیار به فرزندان است.

این معنی هم در خانواده در گذشته و هم در خانواده معاصر دیده می‌شود. اهمیت فرزند به اندازه‌ای بوده است، که بسیاری علت تشکیل خانواده را فرزندآوری زیاد می‌دانسته‌اند. داشتن یک فرزند یا خانواده بدون فرزند در فرهنگ ایرانی عموماً مورد سوال بوده است.

۵- وضعیت زنان: که به لحاظ آموزش، اشتغال و مشارکت زنان، منزلت زنان و ارزش‌های جنسیتی در جامعه بسیار بالا رفته تا حدی که در بعضی مواقع با مردان رقابت می‌کند.

۶- اهمیت خانواده؛ با توجه به تغییراتی که در خانواده به وجود آمده است باز هم خانواده دارای اهمیت زیادی می‌باشد و جایگاه خودش را تا حد ممکن حفظ کرده است.

نتیجه گیری

خانواده بنیان استوار جوامع بشری است و از کهن‌ترین آن‌ها تاکنون دارای اثر اساسی در بقای جوامع و ملل بوده است. در طول تاریخ کشور کهن سال ما نیز همیشه این کانون از مهمترین عوامل پاسداری ملیت ایرانی بشمار میرفته و نقش اساسی در تحکیم هم بستگی‌های قومی و آشنا ساختن فرزندان این آب و خاک به وظایف و مسئولیت‌های ملی و میهنی آنان داشته است. خانواده در ایران همواره مهد پرورش فرزندان بوده است که عشق به وطن و نگاهبانی مرزبوم در نهاد آنان با شیر اندرون می‌شده است، چون خانواده نخستین سرچشمه‌ای است که در فرهنگ اندوزی و ادب‌آموزی همگان از آن سیراب می‌شوند. جایگاه والای خانواده به عنوان با هویت‌ترین نهاد اجتماعی از دیرباز و خصوصاً قرون اخیر موقعیت و مقام ممتازی را در بین کلیه تأسیسات حقوقی نوین و کهن احراز کرده است نهاد خانواده و در راستای آن تحقق، خانواده بخش مهمی از اسن دستاورد عظیم خرد است که در طول قرون و اعصار مختلف تکامل یافته و امروزه علاوه بر درج و تبیین آن در قوانین اساسی و مقررات داخلی مصوب پارلمان کشورها در عرصه بین‌المللی نیز در قالب تدوین عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی جایگاه والا و مقدس یافته است. خداوند در سراسر قرآن برای حفظ بنای، خانواده احکام و اصولی را وضع نموده است و بر رعایت دقیق آن اصرار دارد. احکامی چون وجوب حجاب حرمت نگاه به نامحرم رعایت دقیق روابط میان زن و مرد حکم استیذان نهی از قذف، حرمت زنا و احکامی پیرامون نشوز، شقاق حسن معاشرت و واجباتی در روابط فرزندان و... همه از لوازم حفظ یک خانواده ی قرآنی است. ملاک برتری خانواده، برخورداری از فضیلت‌ها و ارزش‌های اسلامی است. قرآن کریم منبعی برای شناسایی خانواده برتر و ویژگی‌های آن است. خانواده حضرت ابراهیم، حضرت مریم، حضرت موسی، حضرت شعیب و حضرت یحیی چند نمونه از خانواده‌های برتر قرآنی است. اسلام اهل بیت پیامبر (ص) را برترین خانواده می‌شمارد و همگان را به الگوگیری از آن دعوت می‌کند. برخی از ویژگی‌های رفتاری خانواده برتر عبارت است از مدیریت ایده آل خانواده، مناسبات و روابط اسلامی زن و شوهر با یکدیگر، شیوه زندگی فقیرانه و زاهدانه و تربیت نسل صالح. همچنان که در منشور حقوق شهروندی جدید التدوین دولت جمهوری اسلامی ایران که اخیر توسط جمعی از حقوقدانان و صاحب نظران مورد امضا و تایید نهایی قرار گرفته شده است در بخشی از این منشور به صراحت در ارتباط با تقدس خانواده و نقش این نهاد عالی اجتماعی در امور عمومی دولت سخن گفته شده است با توجه به اهتمام قوای سه گانه بر ضرورت اجرای این اصل بنیادین حقوق شهروندی میتوان گفت این منشور و سند عالی سیاسی و اجتماعی بین حکومت و ملت گامی موثر در به رسمیت شناختن نقش والای خانواده در نظام سیاستگذاری و مدیریت عالی کشور باشد و همچنین منجر به استحکام و ثبات نظام هنجار بندی طبقات اجتماعی کشور شود چرا که ریشه و اساس تمامی گروه بندیهای اجتماعی کشور در همه عرصه‌ها اعم از سیاست، اقتصاد و فرهنگ به کوچکترین و در عین حال ریشه‌ای‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده بر می‌گردد، با سرمایه گذاری بر روی این نهاد عالی اجتماعی و اهتمام بر تثبیت و تکریم نهاد خانواده می‌توان اجرای بخشی از منشور تازه تالیس شده حقوق شهروندی در ایران را تسهیل و تسریع نمود.



همچنان که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد و در قوانین عادی مصوب مجلس شورای ملی و نیز مجلس شورای اسلامی در قالب تصویب مقررات و نیز با پیوستن به کنوانسیون های بین المللی و متعهد شدن به اجرای مصوبات آنها در داخل کشور شده ایم، با اجرای بهتر آن مقررات در راستای تحقق حقوق شهروندی نیز می توانیم گام برداریم که نتیجه آن تکریم و تقدس این نهاد مقدس در جامعه می باشد.

منابع

قرآن کریم

- انصاریان حسین ، ۱۳۸۶ نظام خانواده در اسلام چاپ بیست و پنجم، انتشارات ام ابیها ، قم.
- خاتمی، سید محمد؛ ۱۳۷۹ زنان و ، جوانان چاپ اول انتشارات طرح نو ، تهران .
- خسروی، حسن، ۱۳۸۸ حقوق اساسی یک چاپ اول انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران .
- خسروی، حسن ۱۳۸۹ حقوق اساسی دو چاپ اول انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران .
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی های نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۴ چاپ اول انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی .
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه و خسروی ،لیلا؛ ۱۳۸۸ مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب چاپ اول انتشارات مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، تهران.
- قنادان ، منصور کاتوزیان، ناصر ؛ ۱۳۷۷ مبانی حقوق عمومی چاپ اول انتشارات دادگستر تهران ۱۳۷۵، جامعه شناسی مفاهیم کلیدی چاپ اول انتشارات آوای نور ،تهران .
- گولد جولوس؛ ۱۳۸۷ فرهنگ علوم اجتماعی چاپ اول به کوشش محمد جواد زاهدی انتشارات قلم نوین تهران مطهری، مرتضی؛ ۱۳۸۶، نظام حقوق زن در اسلام چاپ چهل و ششم، انتشارات صدرا، تهران.
- نجاریان، فرزانه ۱۳۷۵ عوامل موثر در کارایی خانواده ، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی .
- هاشمی، سید محمد؛ ۱۳۸۴ حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.